■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۷۰۷ ■ چهارشنبه ■ ۳ شهریور ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۲۰/۰۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۰۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

امام باقر(ع):
نهایت کمال ، فهم در دین و صبر بر مصیبت و اندازه گیری در خرج زندگانی است .
بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، ج ۷۵، ص(۱۷۲)

مجید شیخ انصاری: آثار فیلمسازانی نظیر کیارستمی قابلیت زیادی برای رسیدن به تاریخ سینمای تجربی دارد

مطالعات بومی سینمای تجربه‌گرای ایران را باید برای پیدا کردن زبان ویژه سینمای ایران آغاز کرد و توسعه داد. چراکه هنوز آثار فیلمسازانی نظیر عباس کیارستمی از این منظر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و قابلیت‌های زیادی برای رسیدن به تاریخ سینمای تجربی در ایران دارند. انجام و توسعه مطالعات بومی سینمای تجربه‌گرای ایران برای پیدا کردن زبان ویژه سینمای کشورمان یک ضرورت است. پیش از هر چیز باید بررسی کنیم که آیا می‌توانیم درباره تکنیک‌های بیانی در سینمای تجربی فکر کنیم و به فرضیه‌سازی بپردازیم و نتایجی از بررسی سیر تاریخی آن بگیریم. باید بگویم که سینمای تجربه‌گرا آموختن سینما به واسطه تجربه نیست. سینمای تجربه‌گرا تعریف‌گریز است. اما وقتی ویژگی تاریخی می‌یابد می‌توان درباره گذشته آن صحبت کرد.

بخشی از سخنان استاد دانشگاه و پژوهشگر سینما در جلسه پژوهش برخط سومین همایش مطالعات فیلم
کوتاه‌تهران/ایسنا

غرور و تعصب
نوشته جین آستین
ترجمه عبدالحسین صبوری

خودخواهی و غرور، دو چیز متفاوتند، هر چند که معمولاً مترادف گرفته می‌شوند. ممکن است کسی مغرور باشد اما خودخواه نباشد. غرور بیشتر به تصور ما از خودمان برمی‌گردد، خودخواهی به چیزی که دیگران درباره ما می‌گویند...!

نگاره
نیما شاه میری

محیط خانواده و اجتماع در گرایش کودکان به دنیای مجازی دخیل است

ذکر جمیل فضایل استاد محمدرضا حکیمی

مرجع تحقیق، نه مرجع تقلید

یادداشت

حجت‌الاسلام محمدرضا نوراللهیان
رئیس سابق سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور

در روایات متقن و صحیح اسلام از جمله در اصول کافی به نقل از امام صادق(ع) آمده است: «مَن تَعَلَّمَ للّهِ وعَمِلَ للّهِ وعَلَّمَ للّهِ دُعِی فی مَلَکوتِ السَّماواتِ عَظیما» هر که برای خدا علم بیاموزد و برای خدا [به آن] عمل کند و برای خدا به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمان‌ها از او به بزرگی و عظمت و جایگاه رفیع یاد می‌شود. در این ۵۰ سالی که با علامه محمدرضا حکیمی در مشهد آشنا و مأنوس شدم واقعاً ایشان مصداق بارز این حدیث بودند. او از معدود محدثان نسل گذشته ما در زمان حاضر بودند. محدثان بزرگی که شیعه داشته مثل مرحوم علامه مجلسی و مرحوم فیض کاشانی تا این اواخر مرحوم میرزا حسین نوری و آشیخ عباس قمی بودند، مرحوم علامه حکیمی یک عالم محدث بود که جایگاهی در کنار این بزرگان پیدا کرده بود و در شناخت سخن معصومین و حدیث شناسی یک محدث خبره بود. این محدث بزرگ که در کتاب «الحیات» عمده اندیشه حدیثی او بروز کرده، تمام عمر علاقه به شاگردی بزرگان داشت. با علامه امینی و نیز با شیخ آقا بزرگ تهرانی نشست ها داشت و با آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی که سال‌ها شاگردش بود، مراد و مرید بودند و نیز با مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی که از متألهان قرآنی بزرگ بودند، نشست داشتند.علامه حکیمی همه این نشست‌ها را برای خودش زمینه تکامل و تعالی قرار داد و به وسیله قلم توانایش جمعی از جوانان را به اسلام و اهل بیت پیامبر(ص) و معارف قرآنی مأنوس و محبوب داشت.

دکتر علی شریعتی در نامه‌ای وصیت کرده و نوشته است که شما (علامه حکیمی) مجاز هستید هر کجا نوشته هایم اشکال دارد، تصحیح کنید و امضا کرده است. اصلاً استاد حکیمی این نامه را بروز نمی‌دادند. در آن روزگار جوانان برای تهیه کتاب‌های دکتر شریعتی صف می‌بستند. وقتی شریعتی درگذشت، طبیعی است که دنبال این باشند که شریعتی چه کسی را معین کرده است که توجه‌ها به سمت او باشد. این نامه بسیار مهمی است.

من علامه حکیمی را در کنار استاد محمد تقی شریعتی و در کنار عارف بزرگ مرحوم سید ابوالحسن حافظیان که در ریاضت و در تربیت نفس اعجوبه زمان بودند؛ می‌بینم. این مرد بزرگ از دانش فقه و فقاهت و علم اصول و رجال و هر آنچه برای یک مجتهد و مرجع تقلید لازم است، با نگاه دقیق می‌گویم که برخوردار بود. یعنی یک مرجع تقلید بالقوه بود ولی اصلاً این راه را انتخاب نکرد. با اینکه این ظرفیت و استعداد در مرحوم علامه بود؛ ولی خود به خود بر اثر آن همه تلاش و اخلاص مرجع تحقیق شد.

امروز در این سو و آن‌سوی عالم به کتاب‌های او و نیز منبع معتبری مثل الحیات مراجعه می‌کنند. مرحوم علامه حکیمی تمام عمرش را در دغدغه عدالت و مردم و بویژه قشر غیربرخوردار جامعه سپری کرد. همه نوشته‌هایش در این زمینه بود که باید حقوق جامعه اسلامی توسط حاکم درست رعایت شود تا آن جامعه اسلامی باشد و برای همین کتاب منهای فقر را نوشت که بسیار کتاب پرارزشی است و آن یادداشت عظیم «ما قصد لم یقع و ما وقع لم بقصد» را نوشت. به معنای آنچه در پی آن بودیم واقع نشد و آنچه در پی آن بودیم هرگز واقع نشد.

بعد از فوت حضرت امام روزی محضر علامه حکیمی رفتم، فرمودند خواب امام(ره) را دیدم که به من گفتند هر روز برای من تحفه‌ای می‌فرستادی چه شده بعد از فوت من قطع شده است؟ ایشان گفتند آن زیارت خاصه امام رضا(ع) را هر روز به نیابت از من بخوانید.

من آخرین دیدارم ۱۷ شب قبل بود که در بیمارستان خاتم‌الانبیا محضر ایشان بودم. تقریباً نزدیک سه ربع نشسته بودم و علامه با آن حالشان در حال نماز بودند. چه حال زیبا و سیمای نورانی داشتند. بعد از نماز عرض کردم که صحیفه سجادیه که اینقدر به آن عشق می‌ورزید دعای پانزدهمش مناسب حال کنونی شماست. آنجا که امام سجاد (ع) می‌فرمایند خداوندا نمی‌دانم آن زمان که بیمارم به تو نزدیکترم یا زمانی که در سلامت و شفا هستم. ملاک آن است که لحظه‌های عمر ما را به خدا نزدیک کند. علامه عمر شریفش را وقف خدا و اندیشه برتری که در جامعه ما غریب بود یعنی مکتب اهل بیت پیامبر(ص) کرد. انقلابی زیست و آزاد مرد بود. بسیار به همه ظواهر دنیا بی‌اعتماد و مردی از تبار اولیای بزرگ بود. خداوند روح بزرگ آن عزیز را با اولیا محشور کند.

درباره پرواز احمد نوری‌زاده

در آسمان ادب ایران و ارمنستان

یادداشت

آندرانیک سیمونی
مدیر گروه زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه آزاد

در روزهای بعد از پیروزی انقلاب و زمانی که همه در تکاپوی حرکت و انجام کاری کارستان بودند، اولین دیدار ما دست داد. احمد نوری‌زاده به اروپا سفر کرده بود و از طریق آلمان به ارمنستان رفته بود و حالا در حیاط انجمن ملی و فرهنگی ارامنه در خیابان سمیه ایستاده بود و برای یکی از دوستان مشترک‌مان، درباره سفرش می‌گفت. آنچنان گرم و مشتاقانه سخن می‌گفت و سخنش با چنان صداقتی بیان می‌شد که از هر جمله براحتی می‌توانستی عمق وجود شفافش را ببینی و روح عاشق‌اش را لمس کنی... این اولین دیدار و آشنایی ما بود. اما نه، من او را سال‌ها قبل (شاید سال ۵۳ یا ۵۴) در تلویزیون دیده بودم. به یکی از برنامه‌های پر طرفدار آن روز دعوت شده بود. کتابی از اشعار یک شاعر ارمنی زبان ایرانی به نام خاننتس را به فارسی برگردانده بود و مجری برنامه باشوقی زائدالوصف درباره این واقعه ادبی سخن می‌گفت. جوان ریشوی موبلند مؤدب کارش را در چند جمله ساده و رسا ارائه کرد و با متانت نشست.

حالا همان جوان، اما بشاش‌تر و سرزنده‌تر و صمیمانه‌تر، در کنار ما بود. در این سال‌ها احمد نوری‌زاده با کتاب‌هایی که یکی پس از دیگری به چاپ می‌سپرد، در حال تمرین پروازی بلند در فراخنای فرهنگ و ادب دو ملت کهنسال ایران و ارمنستان بود، دو ملتی که محبت و دوستی بی‌شائبه‌ای نسبت به هم دارند و فرزندانی که با تلاش‌های بی‌وقفه‌شان، این محبت دیرینه را تجسم و ژرفا می‌بخشند. گذشت زمان باید نشان می‌داد که احمد نوری‌زاده آن روزها، با پرچمی بر دوش، پیشاپیش گروه‌هایی از اهل ادب و هنر و فرهنگ غنی دو ملت در حال حرکتی خستگی‌ناپذیر است. احمد با حرکتی پیوسته در حال ارتقا، کم‌کم داشت تبدیل به نماد می‌شد...

پسرکی که در سواحل خرم و سرسبز جنوب دریای خزر زندگی می‌کرد، زبان ارمنی همبازی‌هایش را با زبان آذری خانواده‌اش و زبان فارسی مدرسه‌اش می‌آمیخت و روح مغمومش را با عشق و محبت و صمیمیت جلا می‌داد. احمد از ۱۶ سالگی شعر می‌گفت، کاری که تا سال‌های اخیر ادامه داشت. اما تمامی سعی و تلاش نوری‌زاده بر همان کاری متمرکز شد که خودش به عنوان هدف برای خودش انتخاب کرده بود. راه احمد از ادبیات فارسی آغاز شد، شعر گفت و به چاپ داد، به ترجمه پرداخت و از آثار ارزشمند کم حجم به متون جامع‌تر رسید. در همین زمان هم گفتن شعر به زبان ارمنی را در کنار شعر فارسی‌اش قرار داد. همزمان، گستره پژوهش‌هایش را فراخ‌تر کرد و از معرفی ادب ارمنی به سوی شناساندن تاریخ و فرهنگ رفت و در همه عرصه‌ها موفقیت‌های سترگ به ثبت رسانید.

احمد نوری‌زاده رهرویی تنها نبود. چه قبل از نوری‌زاده و چه بعد از او فعالین بسیاری با ترجمه آثار ادبی ارمنی به زبان فارسی سعی در شناساندن ادبیات ارمنی به خواننده فارسی زبان داشته اند. اما احمد تمام زندگی‌اش را وقف این کار کرد. ترجمه و تألیف کرد و از این راه (در حد بضاعت و شعور اجتماعی محیطش) «زیست». یعنی نگاه حرفه‌ای به این مقوله با احمد آغاز می‌شود. بدون تردید، احمد جلودار حرکتی بود که راه را برای دیگر عزیزان عاشق فرهنگ‌های مکتوب ایرانی و ارمنی گشود و از پی او آندرانیک خچومیان‌ها، گارون سرکیسیان‌ها و بسیاری عزیزان دیگر، گستره‌های تازه‌تر و بکرتری را در عرصه‌های ادب و فرهنگ و هنر دو ملت کهنسال گشودند.

از احمد نوری‌زاده بیش از ۱۲ اثر ترجمه‌ای حجیم، (که از این میان سه اثر حاصل تفحص و پژوهش و انتخاب محتواست) از جمله «صدسال شعر ارمنی» مشتمل بر حدود هزار و صد صفحه، «باغ سیب، باران و چند داستان دیگر»، مشتمل بر حدود ۷۰۰ صفحه اثر تألیفی پژوهشی «تاریخ و فرهنگ ارمنستان»، دو دیوان اشعار ارمنی و دو دیوان اشعار فارسی وی و نیز صدها مقاله و مصاحبه به چاپ رسیده است.

احمد نوری‌زاده از ارمنی شناسان مطرح در ارمنستان بوده و بارها برای شرکت در همایش‌های علمی دعوت شده است. احمد نوری‌زاده مفتخر به دریافت نشان‌های لیاقت و جوایز فرهنگی و ادبی بسیار شده است که از آن جمله می‌توان به جایزه بین‌المللی «گارپیس پاپازیان»، نشان عالی «موسس خورناتسی» جمهوری ارمنستان، یادبود «گانتق» انجمن نویسندگان ارمنستان، ویژه امر ترجمه، نشان طلایی فرهنگ جمهوری ارمنستان و پروفسوری افتخاری دانشگاه ایروان اشاره کرد.

منابع نهضت عاشورا-۱۳

«لهوف» آهی در مصایب اهل بیت(ع)

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

«لهوف» یا «ملهوف فی قتلی الطفوف» (آه‌های سوزان بر کشتگان بیابان) کتاب کم برگی است، تألیف سید رضی بن علی بن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴ ق) که به سید بن طاووس نیز شهرت دارد. وی از عالمان پاک سرشت واهل سیر وسلوک عرفانی بوده و ازموقعیت ممتازی میان عالمان بعد از خود برخوردار است. لهوف یکی از منابع مهم و کهن واقعه عاشورا ست که به شیوه داستانی به شرح قیام امام حسین(ع) از حرکت آن حضرت از مدینه، حوادث روز عاشورا تا بازگشت اسرا به وطن پرداخته است. سید بن طاووس کتاب لهوف را به منظور همراه داشتن زائران عتبات در سفرزیارتی به کربلا نوشته، به همین جهت برای اختصار، از ذکرسلسله اسناد و راویان گزارش‌های سفر شهادت، آنگاه سفر اسارت خودداری کرده است. موضوعی که عالمان و عاشورا پژوهان را به دو طیف متفاوت در رابطه با وثاقت مطالب کتاب تقسیم می‌کند. براین اساس جمعی در اعتباربخشی به محتوای کتاب با تکیه برجایگاه سیدبن طاووس واینکه وی در توفیق ملاقات با امام زمان(ع) توثیق شده، گفته اند؛«این کتاب همانند بسیاری از کتب تاریخی دیگرکه بدون ذکر سلسله اسنادبه نقل تاریخ پرداخته و معتبرند، دارای اعتبار بوده و بیشتر اندیشمندان گذشته و حال به روایت‌های آن اعتماد دارند. جمعی از عاشورا پژوهان اما با تأیید شخصیت علمی سید بن طاووس و تأکید بر جایگاه ویژه وی در تولید آثار ارزشمند پنجاه‌گانه گفته اند؛ چون سید بن طاووس این کتاب را در دوران جوانی وآغازفعالیت علمی خود نوشته در نگارش کتاب آن رابا دقت علمی همراه نکرده و این موضوع خواه ناخواه نقصی برای این تألیف وی به شمار می‌رود. هر دو گرایش اما در انتساب این کتاب به سید بن طاووس شکی ندارند. سید بن طاووس نیز در کتاب‌های دیگر خود از این کتاب یاد کرده است.

این کتاب دارای پنج بخش است:

بخش اول شامل مطالبی در عظمت واقعه عاشورا، مقام امام حسین(ع) و ارزش گریه و عزاداری بر آن‌حضرت، بیان انگیزه نگارش کتاب توسط مؤلف و....

بخش دوم پیرامون تولد و زندگی امام حسین(ع) تا قبل از واقعه عاشورا.

بخش سوم که اصلی‌ترین قسمت کتاب است وقایع روز عاشورا تا زمان شهادت امام حسین(ع) را شامل می‌شود.

بخش چهارم به وقایع بعد از شهادت امام(ع) از عصر عاشورا و فرستادن اسیران و سر شهدا به کوفه وآنگاه شام و ماجرای اسارت اهل بیت تا برگشت آنان به مدینه اختصاص دارد.

بخش پایانی به حالات امام سجاد(ع) در فراق پدرش اشاره دارد.

مؤلف در مقدمه کتاب، هدف از تألیف کتاب را چنین بیان می‌کند: «آنچه بیش از هر چیز مرا به نوشتن این کتاب واداشت این بود؛ که من چون کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» را گرد آوردم دیدم که کتابی شد شامل بهترین جاهای زیارت و برگزیده‌ترین اعمالی که هنگام زیارت باید به‌جا آورد و هر کس آن کتاب را همراه داشته باشد از برداشتن چراغ دیگری برای زیارت یا کتاب زیارت بزرگ یا کوچک بی‌نیاز است؛ از همین رو خواستم که هر کس آن کتاب را با خود داشته باشد از همراه بردن مقتل برای زیارت سیدالشهدا نیز بی‌نیاز گردد؛ لذا این کتاب را تهیه نمودم که پیوست کتاب دیگرم باشد.»

هنرمندان در فضای مجازی

فضای مجازی در شبانه روز گذشته همچنان از اتفاقات خوب شهریور ماه می‌گوید از تولد حسین علیزاده تا روز پزشک که با نام بوعلی سینا نامگذاری شده و تصویری از دیدار استادان مرحوم محمدرضا حکیمی و شفیعی کدکنی....

■ **دیدار بزرگان**

در صفحه اینستاگرام با نام دکتر شفیعی کدکنی که توسط دوستداران او هدایت می‌شود، تصویری منتشر شده از دیدار استاد کدکنی با زنده‌یاد استاد محمدرضا حکیمی با شرح «دوست قدیمی» به روایت دکتر محمدرضا موحدی: «آن شب رفتم منزل استاد حکیمی وطبق قرار، به سعاد آبادِ دکتر شفیعی بردمش. بسیار مشتاقانه منتظر دیدار دوست قدیمی وصمیمی خود بود و از او مشتاق‌تر و شیداتر دکتر شفیعی! از حجره‌های مدرسه نواب مشهد تا مؤسسه فرانکلین و فصل مشترک‌هایشان با ابتهاج وشجریان و... سخن‌ها رفت...»

■ **روزی برای قدردانی**

امین تارخ بازیگر نام آشنای سینمای ایران به مناسبت روز پزشک وتبریک این روز، ویدیویی منتشر کرده از بخشی از مجموعه سریال بوعلی سینا به نویسندگی و کارگردانی کیهان رهگذار که محصول سال ۱۳۶۴ است وتارخ در این فیلم در نقش بوعلی سینا ایفای نقش داشته و در این باره نوشت: «چه شایسته انتخابی است برگزیدن نام بوعلی سینا برای روز پزشک. جامعه پزشکی عزیز و پرستاران نازنین برای ما ملت ایران شأنی چون بوعلی سینا دارند.»
از سوی دیگر صفحه مجازی کتاب الکترونیک وصوتی فیدیبو به مناسبت روز پزشک، از خالد حسینی خالق «بادبادک باز» و «هزار خورشید تابان»، آنتوان چخوف بزرگترین نمایشنامه‌نویس دنیا، میخائیل بولگاکف نویسنده ونمایشنامه‌نویس، آرتورکانن دویل خالق «شرلوک هولمز»، غلامحسین ساعدی، بهرام صادقی نویسنده «سنگر و قمقمه‌های خالی»، لویی فردینان سلین واروین د. یالوم، نام برد. این افراد پزشکانی هستند که علاوه بر طبابت قلم در دست گرفتند.

■ **چهره‌ها**

سالار عقیلی خواننده موسیقی ایرانی تازه‌ترین اثر خود را در فضای مجازی منتشر کرد، آلبومی با عنوان «نفس بریده» که به کوشش مؤسسه هنری بانگ آوای سارنگ انتشار یافته. آهنگساز و تنظیم‌کننده این اثر حسن قره‌چایی و شعر آن از سروده‌های احسان افشاری است. عقیلی در این باره نوشته: «با درود به روان درگذشتگان کرونا و تسلیت به بازماندگان و طلب شفای بیماران و خداقوت به کادر درمان همیشه قهرمان. صدای من امروز، همراه فریاد شماست برای گوش‌های سنگینی که صدای ناله و شیون از گوشه گوشه این مرز و بوم را نمی‌شنوند؛ در این روزهای تباهی که خطر از هرسو در کمین است و ما بی‌دفاع، بیش از پیش مراقب سلامت خود و عزیزانتان باشید تا این بلای بی‌رحم سایه‌اش از بام کاشانه هیچ هموطنی نگذرد و به این امید که: «غبار غم برود حال خوش شود حافظ»

رویا افشار بازیگر، کارگردان و نویسنده ایرانی با انتشار ویدیویی از نوازندگی استاد حسین علیزاده، روز تولد این موسیقیدان بزرگ را که یکم شهریور ماه است شاد باش گفته و نوشته: «یک دوست، یک شریف، یک گرانبها... او با موسیقی‌اش رنج را به تفکر بدل می‌کند....»

عالیه عطایی نویسنده ایرانی تصویری منتشر کرده از چهره یک بانوی افغانستانی که به‌صورت یک طرح است که در بالای آن تاریخ نگاشته شده از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۱ چه بر سر مردمان این سرزمین آمده و در این باره نوشت: «ما چقدر از تو کشیده‌ایم افغانستان چقدر...تو عجب خاکی هستی که از ازل تا ابد می‌شود در تو جنگید، با تو جنگید...»

نرگس آبیار کارگردان سینمای ایران هم در صفحه اینستاگرامش وصف این روزها را این‌گونه توصیف کرده است: «دلتنگی پیراهن نیست که عوضش کنی و حالت خوب شود! دلتنگی گاهی پوست تن آدمی است.»

عکس نوشت

«شمسیه حسنی» هنرمند زن گرافیتی کار افغان است که در افغانستان، زندگی زنان کشورش و نگرانی‌های آنان از جنگ و ناآرامی را بر دیوارهای شهر کابل به تصویر می‌کشد. «شمسیه» را به‌عنوان یکی از نخستین هنرمندان زن گرافیتی کار افغان می‌شناسند که آثارش همواره صدای رسای زنان بوده است. او در نقاط مختلفی دیوارنگاره خلق کرده است و در نمایشگاه‌های متعدد واقع در امریکای شمالی، اروپا و کشورهای آسیایی حضور پیدا کرده است. آثار او را در خبرگزاری ایسنا می‌توان دید.